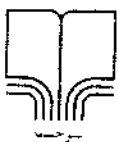


- جهان نو -

کازوئو ایشی گورو شبانہا

(پنج داستان موسیقی و شب)

ترجمہ علی رضا کیوانی نژاد



Ishiguro, Kazuo ایسی گورو، کازونو، ۱۹۵۴-م.

شبیانه‌ها: (پنج داستان موسیقی و شب) / نویسنده کازونو ایسی گورو؛
ترجمه‌ی علی‌رضا کیوانی‌نژاد. تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۸.

ISBN 978-964-362-733-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Nocturnes: Five stories of music and nightfall, 2009

داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰م. کیوانی‌نژاد، علی‌رضا، ۱۳۵۶ - ،
مترجم.

الف‌ش ۹۵۴ / الف / PZ۳ ۸۲۳/۹۱۴

۱۳۸۸

۱۹۱۷۰۵۳

کتابخانه ملی ایران

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیرفارسی - مجموعه داستان

شبیانه‌ها

(پنج داستان موسیقی و شب)

کازونو ایسی گورو

ترجمه‌ی علی‌رضا کیوانی‌نژاد

ویراستار: امیر احمدی آریان

لیتوگرافی: هماگرافیک

چاپ: صاحب‌کوثر

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول، بهار ۱۳۸۹، تهران

چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۹، تهران

۵۰۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

info@cheshmeh.ir

www.cheshmeh.ir

شابک: ۱ - ۷۳۳ - ۳۶۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۲ - ۹ ۶۶۹۵۷۵۷۸ دوزنگار: ۶۶۲۶۱۲۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷، تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	خواننده
۴۳	زیرورو بشه دنیا من دوست دارم
۹۳	تپه‌های مالورن
۱۲۹	شبانه
۱۸۵	نوازنده‌های ویولن سل
۲۱۷	یادداشت‌ها

مقدمه‌ی مترجم

«تجربه، اسمی است که آدم‌ها روی شکست‌شان می‌گذارند.» به نظر این جمله‌ی حکیمانه‌ی برنارد شوارتز، بستر اصلی داستان‌های این مجموعه است؛ جایی که نویسنده‌ی شش‌دانگی مانند ایشی گورو این بار خودش را نه در قامت یک رمان‌نویس چیره‌دست، که در هیئت نویسنده‌ای به مخاطب عرضه می‌کند که تسلطی کم‌نظیر بر عرصه‌ی داستان کوتاه دارد.

راز ماندگاری ایشی گورو را باید در رمان *بازمانده‌ی روز جست‌وجو* کرد؛ میراثی کم‌نظیر که به مدد ترجمه‌ی درخشان استاد دریابندری از جایگاهی دوچندان نزد مخاطب برخوردار است. حقیقت این است که در عرصه‌ی ادبیات تعداد نویسندگانی که در حوزه‌های رمان و داستان کوتاه به یک اندازه تبحر داشته باشند کم است، اما به جرئت باید گفت ایشی گورو در همان گروه اقلیت به سر می‌برد.

این مجموعه شاید تأکیدی باشد بر همین مسئله و نویسنده تلاش می‌کند با خلق شخصیت‌ها در قالب داستان کوتاه، به طرح سؤال پردازد و در این راه به همان سیاق قبلی، دست از طنازی و شوخ‌طبعی هم برنمی‌دارد.

درک آنچه در کُنه این داستان‌ها اتفاق می‌افتد، نیازمند آشنایی دوچندان با دنیای ذهنی ایشی‌گورو است. او در این پنج داستان که جملگی با محوریت موسیقی و خنیاگری نوشته شده‌اند، به واکاوی روابط میان آدم‌ها می‌پردازد و به سادگی دو واژه‌ی «تجربه» و «شکست» را به دونلی خواندنی دعوت می‌کند. تقابل زیرکانه‌ی این دو واژه در خوانش اول به چشم نمی‌آید، اما درک آن، نیازمند زمان است. بنابراین بد ندیدم به چند نکته اشاره کنم.

اول آن‌که در ترجمه‌ی این مجموعه بارها به این نتیجه رسیدم که خواندن داستان‌ها بی‌شبهت به یک تصادف نیست؛ آن‌جا که اتومبیلی با سرعت عابری را زیر می‌گیرد، و راننده سراسیمه خود را به مصدوم می‌رساند اما در کمال تعجب سلامت او را می‌بیند و به همین دلیل، می‌خواهد سوار شود و برود، اما آن‌ها که تجربه دارند می‌دانند که بدن فرد مصدوم به اصطلاح رایج، «گرم» است و باید پس از معاینات دقیق — که نیازمند گذشت زمان است — سلامت یا میزان آسیب‌دیدگی‌اش تعیین شود. فرد مصدوم بعد از چند ساعت، تازه متوجه می‌شود چه اتفاقی افتاده و کجایش آسیب دیده است.

دوم آن‌که ایشی‌گورو در این اثر به ندای قلبی‌اش پاسخ می‌دهد که از نوجوانی با او همراه بوده، اما چیزی جز «تجربه» برایش در پی نداشته، و شاید هم «شکست»؛ و آن چیزی نیست جز موسیقی. او بارها به این مسئله اشاره کرده که علاقه‌اش به این عرصه اگر بیشتر از تألیف داستان نباشد، کمتر نیست و چه فرصتی بهتر از این. و عجب آن‌که از چنان تسلطی بر این حوزه برخوردار است که گویی تحصیلاتی را در همین عرصه پشت سر گذارده، حال آن‌که این‌گونه نیست.

نویسنده در این داستان‌ها با همان سلوکی که در بازمانده‌ی روز داشته، به روایت می‌پردازد و این‌جا البته راویان، آن‌قدرها هم گیج نیستند و این همان رندی خاص ایشی‌گورو است؛ خاصه در داستان نخست که راوی نوازنده‌ای است از بلوک شرق اروپا — لهستان — و آن‌که مقابلش قرار دارد، یک

امریکایی است. و آن‌جا که از عشق حرف می‌زنند مدام بسامد این جمله‌ی آیزاک باشویس سینگر از دل مجموعه داستان بی‌بدیل یک مهمانی، یک رقص — ترجمه‌ی مزده دقیقی — شنیده می‌شود: «آرزوها اگر اسب بودند، گداها سواره می‌رفتند.»

آخرین نکته را به تشکر از دوست عزیزم لادن صادقون اختصاص دادم که این کتاب را در اختیارم گذاشت و با حوصله و شکیبایی کمک کرد به درک بهتری از فضای آن و در نهایت ترجمه‌اش دست یابم. واضح است اگر در این مجموعه نقصانی وجود دارد به این جانب برمی‌گردد.

علی‌رضا کیوانی‌نژاد

آبان ۸۸